



دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: الهیات و معارف اسلامی / گرایش: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

نقد فلسفی فیلم ماتریکس

استاد راهنما

دکتر نرگس نظر نژاد

دانشجو

معصومه خلیلی مقدم

بهمن ۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه دستاوردهای این پژوهش متعلق به دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها) است.

تقدیم بہ تمام جویندگان راہ حقیقت

منت خدای را - غزوجل - که طاعتش موجب قربتست و به شکراندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرومی رود، حمد
حیاست و چون برمی آید مفرح ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجودست و بر هر نعمتی شکر می واجب!

سپاس خدای را که به من راه حقیقت را آموخت و به من توانایی داد تا بتوانم در این راه گامی بردارم
و اتمام این رساله را مبرهنون رحمت الهی دانسته و بر خود لازم می دانم از تمام کسانی که در به ثمر رسیدن این
تحقیق مشوق و راهنمای من بودند، تقدیر و شکر کنم.

از پشتیبانی علمی و زحمات دلسوزانه می استاد محترم راهنما، سرکار خانم دکتر زکریا نظرخواه و همچنین استاد
محترم مشاور، سرکار خانم دکتر فرزانه راسخی در پیش برد کمال مراحل این تحقیق کمال سپاس گذاری را

دارم.

چکیده

سینما یکی از مهم ترین ابزارها برای انتقال اندیشه های فلسفی است که کمپانی هالیوود به خوبی این رسالت را درک کرده است و برای ترویج فرهنگ و ایدئولوژی غرب، مضامین عمیق فلسفی را در تار و پود صحنه های اکشن و جلوه های ویژه- آشکارا یا پنهان- جای می دهد. فیلم سه گانه ماتریکس، یکی از مهم ترین فیلم ها در تاریخ سینمای هالیوود است که با درون مایه ای فلسفی، به خوبی آراء فلسفی مادی گرا را - به مدد اسطوره و جلوه های ویژه- به مخاطب ارائه می دهد ولی او را با طیف وسیعی از سؤالات رها می سازد و در پاسخ گویی هیچ کمکی به مخاطب نمی کند بلکه ذهن او را آن چنان درگیر فیلم می سازد تا خود پاسخ ها را به فراخور حال بیابد. از آن جا که ممکن است مخاطب تحت تأثیر این اندیشه های فلسفی، بیراهه را جایگزین راه حقیقی سازد، رساله ی حاضر این اندیشه های فلسفی را مورد بررسی و نقد قرار می دهد.

کلید واژگان: ماتریکس، فلسفه، سینما

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: کلیاتی در باب فلسفه و سینما با محوریت سینمای هالیوود	۷
۱-۱- فلسفه و سینما	۹
۱-۱-۱- سینما و جامعه	۱۲
۱-۱-۲- چگونگی تأثیر فیلم بر افراد جامعه	۱۵
۱-۱-۳- سینما به عنوان یک هنر زیباشناسی	۱۷
۲-۱- تاریخچه سینمای هالیوود	۱۹
۳-۱- فلسفه در سینمای هالیوود	۲۲
۴-۱- اسطوره در سینمای هالیوود	۲۴
۱-۴-۱- اسطوره در سه گانه ماتریکس	۳۰
فصل ۲: بررسی و نقد فلسفی فیلم ماتریکس (۱)	۳۲
۱-۲- خلاصه ای از فیلم ماتریکس (۱)	۳۴
۲-۲- مضامین فلسفی در فیلم ماتریکس (۱)	۳۶
۳-۲- اومانیزم	۳۷
۱-۳-۲- جایگاه خدا در اومانیزم و ماتریکس	۴۰
۲-۳-۲- نقد اومانیزم در فیلم ماتریکس	۴۲
۴-۲- نیهیلیسم	۴۲
۱-۴-۲- ماتریکس و یادداشت های زیرزمینی داستایوسکی	۴۳
۲-۴-۲- رهایی از نیهیلیسم در فیلم ماتریکس	۴۷

- ۴۸ ۵-۲- اگزستانسیالیسم
- ۵۱ ۱-۵-۲- تهوع ژان پل سارتر و ماتریکس
- ۵۳ ۲-۵-۲- گریز از پیامدهای ناگوار پذیرش حقیقت در تهوع و ماتریکس
- ۵۵ ۶-۲- شک گرایی
- ۵۵ ۱-۶-۲- بررسی نظریه ی دکارت
- ۶۰ ۲-۶-۲- فرضیه های شبه ماتریکسی
- ۶۴ ۳-۶-۲- پاسخ گویی به شک گرایان در عدم امکان حصول معرفت
- ۷۰ فصل سوم: بررسی و نقد فلسفی فیلم ماتریکس (۲)
- ۷۲ ۱-۳- خلاصه ای از فیلم ماتریکس (۲)
- ۷۴ ۲-۳- مضامین فلسفی در فیلم ماتریکس (۲)
- ۷۵ ۳-۳- دترمینیسم
- ۷۶ ۱-۳-۳- ارزش انتخاب
- ۷۹ ۲-۳-۳- جمع میان علم پیشین الهی و اختیار انسان
- ۸۳ ۴-۳- مارکسیسم
- ۸۶ ۱-۴-۳- بازتاب های دیالکتیکی در فیلم ماتریکس
- ۸۸ ۲-۴-۳- نقد ماتریالیسم دیالکتیک
- ۹۰ ۵-۳- ایدئالیسم
- ۹۲ ۱-۵-۳- نظریه کوانتوم
- ۹۶ ۲-۵-۳- رهایی از چالش های نظریه کوانتوم

فصل چهارم: بررسی و نقد فیلم ماتریکس (۳).....	۹۹
۱-۴- خلاصه ای از فیلم ماتریکس (۳).....	۱۰۱
۲-۴- مضامین فلسفی در فیلم ماتریکس (۳).....	۱۰۴
۳-۴- هندوئیسم.....	۱۰۴
۱-۳-۴- فرضیه ی کارما در هندوئیسم.....	۱۰۶
۲-۳-۴- نقد فرضیه ی کارما در هندوئیسم.....	۱۰۷
۴-۴- بودیسم.....	۱۰۹
۱-۴-۴- کارما در بودیسم.....	۱۱۱
۵-۴- پلورالیسم.....	۱۱۱
۱-۵-۴- نقد پلورالیسم.....	۱۱۵
نتایج و پیشنهادات.....	۱۱۸
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۲۱

مقدمه

نظر به اهمیت اندیشه های فلسفی در ساماندهی زندگی انسان و تنظیم تعامل وی با هستی، آشنایان با آرای فلسفی، با این اعتقاد که هیچ یک از فعالیت های انسان از جمله فعالیت های فرهنگی- هنری او - آگاهانه یا نا آگاهانه- بدون پشتوانه فلسفی نیست، همواره درصدداند تا به شیوه های مختلف، آرای فلسفی خود را تبیین کنند. بیان هنری یکی از مؤثرترین شیوه های تبیین آرای فلسفی است و هنر هفتم یعنی سینما حتی بیش از دیگر فعالیت های هنری در این حوزه نقش آفرینی می کند؛ از این رو واضح است که نوع اندیشه های فلسفی ای که از طریق هنر سینما به مخاطبان منتقل می شود، از اهمیت خاصی برخوردار است و کسانی که رستگاری و سعادت معنوی انسان را طالب اند، با حساسیت خاصی این امر را تعقیب می کنند. در پژوهش حاضر در نظر است تا ضمن بررسی نقش سینما به عنوان ابزار مهمی در انتقال اندیشه های فلسفی، به عنوان نمونه فیلم سه گانه «ماتریکس» از جهت آرای فلسفی موجود در آن مورد بررسی و نقد قرار گیرد؛ اما پیش از ورود به بحث، به ذکر کلیاتی در این باب می پردازیم.

سؤال اصلی:

چگونه فیلم سه گانه ماتریکس، مضامین فلسفی را به مخاطب ارائه می دهد؟

سوالات فرعی:

- ۱- عمده ترین اندیشه های فلسفی در فیلم ماتریکس (۱) کدامند؟
- ۲- عمده ترین اندیشه های فلسفی در فیلم ماتریکس (۲) کدامند؟
- ۳- عمده ترین اندیشه های فلسفی در فیلم ماتریکس (۳) کدامند؟

فرضیه های پژوهش:

- ۱- فیلم ماتریکس (۱)، به ترویج بسیاری از مکاتب فلسفی از جمله اومانیسم، نیهیلیسم، اگزیستانسیالیسم و شک گرایی می پردازد.
- ۲- فیلم ماتریکس (۲)، ادامه ی روند ماتریکس (۱) است. اگر چه در این فیلم، دترمینیسم بیش از هر مکتب دیگری نمود پیدا می کند ولی در کنار آن به مضامین فلسفی فیلم اول و همچنین ماتریالیسم دیالکتیک و ایدئالیسم نیز پرداخته می شود.
- ۳- فیلم ماتریکس (۳)، با نگاهی گذرا به مکاتب شرقی از جمله هندوئیسم و بودیسم، پلورالیسم را در این سه گانه تکمیل می کند.

پیشینه تحقیق:

فلسفه ی سینما، رشته ای جدید در زمینه ی مباحث زیباشناختی است و فلاسفه کم تر به این مسأله توجه کرده اند و کتب و مقالاتی هم که در این زمینه منتشر شده است، اغلب به زبان انگلیسی هستند و تقریباً در میان کتب فارسی زبان، هیچ کتاب جامعی در این مورد یافت نمی شود.

غار افلاطون را می توان یادآور ساختار سینمای جدید و رساله ی معروف ارسطو «بوطیقا» را آغازگر فلسفه ی سینما دانست. ارسطو در این رساله، هنر رایج دوران خود یعنی «تراژدی» را از دیدگاه فلسفی مورد بررسی قرار داد.

پس از نمایش فیلم ماتریکس در اکثر سینماهای جهان، مقالات متعددی در زمینه‌ی بررسی مضامین فلسفی فیلم ماتریکس منتشر شد؛ از جمله می‌توان به مجموعه مقالات *ماتریکس و فلسفه (به برهوت واقعیت خوش آمدید)*¹ اشاره کرد که حاوی مقالاتی است که مضامین فلسفی فیلم ماتریکس را از جمله شک‌گرایی، نیهیلیسم، اگزیستانسیالیسم، پلورالیسم و... مورد بررسی قرار می‌دهد. علی‌رغم نقش تأثیرگذار تفکرات اومانستی در فیلم ماتریکس، ظاهراً هیچ مقاله‌ای یافت نمی‌شود که این تأثیرات را در فیلم مورد بررسی قرار دهد؛ به دلیل اهمیت آن در شکل‌گیری دیگر جریان‌های فکری، ما خود این امر را در مباحث پیش‌رو مورد بررسی قرار داده‌ایم. از مهم‌ترین مقالاتی که در زمینه‌ی بررسی مضامین فلسفی ماتریکس نوشته شده است، می‌توان به *شک‌گرایی، اخلاق و ماتریکس* (نویسنده: ویلیام اروین)، *تقدیر، آزادی و پیش‌گویی* (تئودر شیک جونیور)، *دین ماتریکس و مسائل پلورالیسم* (گرگوری باسشم)، *یادداشت‌های زیرزمینی: نیهیلیسم و ماتریکس* (تامس هابز)، *ماتریکس، مارکس و زندگی کاپرتاپ* (نویسنده: مارتین دناهی و دیوید رایدن) و... اشاره کرد. اغلب مقالاتی که در زمینه‌ی بررسی مضامین فلسفی فیلم ماتریکس منتشر شده‌اند، به زبان انگلیسی هستند و فقط به بررسی و تطبیق آرای فلسفی موجود در ماتریکس پرداخته‌اند و عموماً از نقد این اندیشه‌ها خودداری ورزیده‌اند و همچنین این مضامین فلسفی را تنها از فیلم اول برداشت کرده‌اند و کم‌تر به فیلم دوم و سوم توجه کرده‌اند؛ بنابراین ما سعی داشته‌ایم دیگر تفکرات فلسفی را نیز در این سه‌گانه مورد بررسی قرار دهیم.

ضرورت و اهداف تحقیق:

هدفی که در این رساله دنبال می‌شود، در راستای ضرورت آن است و نمی‌توان این دو را از هم تفکیک کرد؛ حداقل در مورد این رساله چنین است. از آن جا که این فیلم مخاطبان عام و

1. *The Matrix and Philosophy (welcome to the desert of the real)*

خاص زیادی را به خود جلب کرده است و بسیاری از افرادی که حتی کوچک ترین اطلاعی از مضامین فلسفی موجود در آن ندارند- و ماتریکس را فیلمی با اطلاعات پراکنده می گمارند و تنها جذب صحنه های اکشن و جلوه های ویژه ی آن قرار می گیرند - ناخواسته سؤالات و شبهات زیادی در ذهنشان نقش می بندد که پاسخ گویی به این سؤالات ضروری است. شبهاتی در این فیلم با زبان فلسفی به مخاطب ارائه می شود که نه تنها وجود خداوند و دین و امثال آن را زیر سؤال می برد بلکه موجب شکاکیت مخاطب حتی نسبت به وجود خود می شود. هدف اصلی ما هم تنها این است که با پاسخ گویی به این شبهات، مخاطب را از سردرگمی و شک و شبهه نجات بخشیم. مضامینی که موجب سردرگمی مخاطب می شود، به وفور در ماتریکس یافت می شود؛ بنابراین پس از بررسی مهم ترین مضامین، پاسخ هایی هر چند کوتاه به این شبهات داده می شود تا بیش از آن چه که ماتریکس موجب سردرگمی مخاطبان می شود، ما نیز - تنها با مطرح ساختن این شبهات- مزید بر علت نباشیم.

روش جمع آوری اطلاعات:

مضامین این رساله - به اعتبار روش جمع آوری اطلاعات- اغلب یا از روش کتابخانه ای (فیش برداری) و یا از طریق تماشای فیلم حاصل شده است و از آن جا که ما نخواسته ایم صرفاً گردآورنده ی نظریات فلاسفه باشیم، گاهی نظریات خود را هم در لابه لای مباحث آورده ایم. دیالوگ هایی که بین بازیگران رد و بدل می شوند و در بررسی ما مورد استفاده قرار می گیرند، عموماً از خود فیلم برداشت شده است. لازم است ذکر گردد که از آن جا که فیلم دوم و سوم کم تر مورد توجه فلاسفه قرار گرفته است و تقریباً تمام مقالاتی که درباره ی ماتریکس وجود دارند، مضامین فلسفی فیلم اول را مورد بررسی قرار داده اند، به همین دلیل ما خود مکاتب فلسفی فیلم دوم و سوم را برداشت کرده ایم و به بررسی و نقد این آراء پرداخته ایم. در این رساله همچنین سعی شده است، در حد امکان از منابع اینترنتی استفاده نشود؛ فقط در یک

مورد، در فصل اول از دایره المعارف فلسفی دانشگاه استنفورد - که مورد تأیید جوامع مختلف علمی است - استفاده شده است؛ البته تنها به دلیل کمبود منابع در زمینه ی رابطه ی فلسفه و سینما و همچنین نگاه جامع و فراگیر نویسنده این مقاله به این رابطه است که ما از نظریات ایشان بهره جسته ایم.

معرفی فصول:

فصل اول: بیان کلیاتی از رابطه ی فلسفه و سینما با محوریت سینمای هالیوود است. از آن جا که ماتریکس یکی از مهم ترین فیلم های هالیوودی است، در این فصل تاریخچه ای مختصر از سینمای هالیوود ذکر می شود و از طرف دیگر چون فیلم ماتریکس، تلفیقی از اسطوره و فلسفه است، پس از بررسی فلسفه و اسطوره در سینمای هالیوود، در نهایت اسطوره در فیلم ماتریکس - در این فصل و مضامین فلسفی آن در فصول بعدی - مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل دوم: در این فصل پس از ذکر خلاصه ای از فیلم ماتریکس (۱)، مضامین فلسفی در این فیلم مورد بررسی و نقد قرار می گیرند که این مضامین عبارتند از: اومانیسیم، نیهیلیسم، اگزستانسیالیسم و شک گرایی.

فصل سوم: در این فصل نیز پس از ذکر خلاصه ای از فیلم ماتریکس (۲)، مضامین فلسفی در این فیلم مورد بررسی و نقد قرار می گیرند که این مضامین عبارتند از: دترمینیسم، مارکسیسم (ماتریالیسم دیالکتیک) و ایدئالیسم.

فصل چهارم: در این فصل نیز همانند دو فصل پیشین، پس از ذکر خلاصه ای از فیلم ماتریکس (۳)، مضامین فلسفی در این فیلم مورد بررسی و نقد قرار می گیرند که این مضامین عبارتند از: هندوئیسم، بودیسم و پلورالیسم.

فصل اول:

کلیّاتی در باب فلسفه و سینما

با محوریت سینمای هالیوود

در چند سال اخیر، یکی از اساسی‌ترین شیوه‌های غرب به خصوص کمپانی هالیوود - بزرگ‌ترین تولید کننده ی آثار سینمایی در جهان- برای ترویج فرهنگ و ایدئولوژی غرب، طرح مسأله «آخرالزمان» بوده است. فیلم سازان هالیوود با استفاده از فنون و جلوه‌های تأثیرگذار، به خوبی تفکرات و آرای فلسفی خود را در قالب فیلم به مخاطبان خود القاء می کنند. این اندیشه‌های فلسفی ای که از طریق سینما به شیوه ای غیر مستقیم اما نافذ منتقل می شود، در فرهنگ و مبنای تفکر یک جامعه تأثیر ویژه ای دارد؛ بنابراین ابتدا باید بررسی شود که چگونه می توان از طریق سینما اندیشه‌های فلسفی را منتقل کرد.

با مشاهده ی فیلم‌های هالیوود، درمی یابیم که این کمپانی در به کارگیری جلوه‌های علمی- تخیلی نافذ از دیگر کمپانی‌ها پیشی گرفته است. سینمای هالیوود از آغاز تأسیس تاکنون دستخوش تغییر و تحولات بسیاری به خصوص در درون مایه های فیلم بوده است. این امر با بررسی تاریخچه ی سینمای هالیوود در بخش دوم این فصل به خوبی روشن می شود. نکته قابل توجه در سینمای هالیوود این است که هیچ گاه بدون ایده و هدف خاص، دست به خلق فیلم نزده است و همواره عقاید و تفکرات خود را در قالب فیلم به زبان تصویر کشیده است. هالیوود در انتقال اندیشه های فلسفی نیز از دیگر رقبا پیشی گرفته است که در بخش سوم این فصل به آن پرداخته می شود. یکی از اساسی ترین عناصر تأثیرگذار سینمای هالیوود

در انتقال اندیشه های فلسفی، «اسطوره پردازی» است که یکی از مهم ترین دلایل موفقیت این کمپانی است و در بخش چهارم این فصل به آن پرداخته می شود. فیلم ماتریکس، تلفیقی از اسطوره و فلسفه است که اسطوره های به کار رفته در این فیلم را به اجمال، در بخش چهارم این فصل اشاره خواهیم کرد و مبانی فلسفی آن در فصول بعدی بررسی می شود.

۱-۱- فلسفه و سینما

سینما، روزنه جدیدی برای بیان ملاموس مباحث پیچیده ی فلسفی است. بسیاری از فیلم های سینمای غرب، با استفاده از آخرین تکنولوژی روز دنیا و بهره گیری از جلوه های ویژه، مسائل عمیق فلسفی را به مخاطبان منتقل می کنند. بسیاری از مردم تمایل دارند به جای خواندن یک کتاب فلسفی دشوار، به تماشای یک فیلم بنشینند و از طریق آن به درک بهتر مسائل غامض فلسفی نایل شوند؛ بنابراین ابتدا باید بررسی شود که چگونه می توان از طریق سینما اندیشه های فلسفی را منعکس کرد.

واژه شناسان برای سینما تعاریف متعددی ذکر کرده اند؛ از جمله: «سینما، هنر نمایش دادن سلسله تصاویر مناظر، اشخاص، اشیاء و حرکات هنر پیشگان است که بر روی فیلم ضبط می شود و در روی پرده به وسیله ی دستگاه خاص منعکس می شود.^۱» فلسفه نیز به طور خلاصه، هستی شناسی و دانش شناخت حقیقت است؛ موضوع آن «موجود به ما هو موجود» است. حال این پرسش مطرح می شود که آیا بین فلسفه و سینما نسبتی وجود دارد؟ سینما در حوزه ی عمل و نمایش است و اغلب با مسائل غیر واقعی سروکار دارد ولی فلسفه در حوزه ی تفکر و اندیشه است و جز به حقیقت بها نمی دهد؛ چگونه می توان بین این دو جمع کرد؟ کریستوفر فالزن^۲ چنین پاسخ می دهد:

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰، ص ۸۲۵.
۲. کریستوفر فالزن (...-1957: Christopher Falzon) استاد فلسفه دانشگاه نیوکاسل استرالیا است که تألیفاتی در زمینه فلسفه اخلاق، اجتماع، سیاست و همچنین فلسفه و فیلم دارد.

اغلب تصور می شود که فلسفه خشک و فنی است؛ با مسائل انتزاعی و کلی سروکار دارد؛ و از آن چه که در سینما تا بدین حد ملموس و بی واسطه به نمایش در می آید، بسیار دور است. خود فلسفه نیز در پیدایش این تصور مؤثر بوده است. در فلسفه درجه ای از پیش داوری بر ضد تصورات بصری وجود دارد. فلاسفه اغلب استفاده از تصورات بصری را نشان دهنده ی شکلی از اندیشه بچه گانه یا بدوی تر وصف کرده اند که از دنیای خشک و جدی درک مفهومی به دور است و فقط کسانی برای آن ارزش قائلند که به ابزارهای بیانی عالمانه تر دسترسی ندارند. اساساً گمان می شود که تصورات، ملموس و جزئی هستند در حالی که فلسفه با امر انتزاعی و کلی سروکار دارد.^۱

فالزن این پیش داوری را به یک سنت فلسفی کهن، به فیلسوف یونانی افلاطون،^۲ نسبت می دهد. وی می گوید که در منظره ی تخیلی افلاطون، انسان های از لحاظ فلسفی کوتاه بین همانند زندانیانی هستند که تنها سایه های روی دیوار غار را واقعیت می پندارند. افلاطون می گوید روشن بینی فلسفی تنها با گریز از غار و قدم گذاشتن به میان خورشید - یعنی جایی که اشیاء واقعاً وجود دارند - پدیدار می گردد. افلاطون می خواهد از این طریق نشان دهد که تجربه های حسی تنها نمود هایی از واقعیت را به ما نشان می دهند و برای رسیدن به واقعیت باید تجربه حسی را کنار بگذاریم و تنها به عقل تکیه کنیم.^۳

از سخنان کریستوفر فالزن چنین بر می آید که وی ساختار سینما را به غار افلاطون تشبیه کرده است؛ سینما همانند غار افلاطون، مکانی تاریک است و تصاویری که بر روی پرده نمایش

۱. فالزن، کریستوفر، فلسفه به روایت سینما، مترجم: ناصرالدین علی تقویان، چاپ اول، تهران، انتشارات قصیده سرا، ۱۳۸۲، صص ۱۶-۱۵.

2. plato (347-429)

۳. همان، ص ۱۶.

مشاهده می شود، از دنیای واقعی به دوراند؛ سایه هایی که نمودهایی از واقعیت هستند، بر روی پرده روبرو منعکس می شوند؛ تصویر و صدای آن ها با آن چه در دنیای واقعی دیده و شنیده می شود، هیچ تفاوتی ندارد. همان طور که فالزن نیز اشاره کرد، از نظر افلاطون ما در این جهان شبیه زندانیان غار هستیم که جهان را تنها از طریق حواس پنج گانه ظاهری درک می کنیم. آن چه از سخن افلاطون برمی آید، این است که با تکیه بر حواس ظاهری نمی توانیم به درک و معرفت حقیقی نایل شویم بلکه برای کشف واقعیت این جهان باید به چیزی فراتر از حواس ظاهری تکیه کنیم. همان گونه که زندانیان غار، سایه ها را حقیقت می پنداشتند، حواس پنج گانه تنها سایه ها و نمودهایی از واقعیت را به ما نشان می دهند. معرفت حقیقی تنها با گریز از این زندان امکان پذیر است.

فالزن می گوید که تمثیل غار افلاطون برای بیان دیدگاه فلسفی اش است. افلاطون از تصویری آشکار استفاده می کند تا موضع فلسفی خود را روشن کند؛ بنابراین تصویر در گفتار فلسفی او به عنوان راهی به سوی فهم تفکر فلسفی وی است.^۱ کریستوفر فالزن در ادامه اظهار می دارد:

افلاطون و اخلافتش اغلب برای شرح، توضیح و برانگیختن تفکر فلسفی به تصورات بصری آشکار متوسل می شوند. حتی گفته شده است که تصاویر نه تنها توضیح دهنده اند، بلکه عمیقاً در تفکر فلسفی نقش دارند؛ به نحوی که خود اندیشه را می سازند...^۲ ما در سینما با انبوهی از نمایش شخصیت ها، رویدادها و وضعیت ها مواجهیم که در آن ها عقاید، موضوعات و توجهات فلسفی به نحوی ملموس تجسم می یابند و می توانیم برای شرح و برانگیختن تفکر فلسفی بدان ها رجوع کنیم... فلسفه با تأمل بر عقاید و آراء می تواند مطالبی را در باره ی محتوای فکری ای که فیلم ها مجسم یا کشف می کنند به ما بگوید. به علاوه فیلم ها، نکات فلسفی خاص خودشان را برای عرضه،

۱. فالزن، فلسفه به روایت سینما، صص ۱۶-۱۷.

۲. به نقل از میشل لودوف، فیلسوف فرانسوی